

روایای:

جنسیت مانع حضور زنان در بخش صنعت نیست

● برای صادرات باید مقداری پول تزریق کرد. باید به فکر کارخانه دار بود، باید به فکر بی‌کاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بی‌کاری هم بود.

● در این سال‌ها قیمت دلار تغییر کرده است در نتیجه نقدینگی کارخانه کاهش پیدا می‌کند، تورم هم قدرت خرید را پایین می‌آورد، و این موجب بحران در صنعت می‌شود.

ارتباط با زن بودنم ندارم. ببینید طبیعت کار اقتصادی یک مقدار جرأت می‌خواهد. کسانی که به اصطلاح جرأت داشته باشند به میدان می‌آیند و کار را انجام می‌دهند. من خودم وقتی که به بخش صنعت آمدم با دست خالی شروع کردم و مسئله‌ی جنسیت برایم مطرح نبود. از طرف مقامات مملکتی و دولتی نیز در سرمایه‌گذاری - چه در بخش اقتصادی، چه در بخش صنعت، چه در بخش خدمات - هیچ مشکلی از این بابت ایجاد نشده است. منتها مسائلی که برشمردم گزینه ایجاد نمی‌کند. به نظر من جنسیت نمی‌تواند مانع باشد.

- در رابطه با حضور زنان در بخش اقتصادی جامعه، شما ابزارهای دیگری مثل زمین و سرمایه را چگونه می‌بینید. با توجه به این‌که زن‌ها کلاً در طول تاریخ منابع اقتصادی کم‌تری برای چنین حضورهایی داشته‌اند؟

- بستگی دارد به این‌که چه نوع سرمایه‌گذاری مدنظر باشد. مثلاً فرض کنید که اگر بخواهیم روزی کارخانه‌ای تأسیس کنیم به هرحال با موافقت اصولی دولت زمین می‌دهد و مقداری تسهیلات. اما در مورد سرمایه‌ی اولیه، چون از بخش صنعت آن حمایتی که باید، نمی‌شود، سرمایه‌گذاری خیلی کم‌رنگ شده است. الان دوستان من وقتی مشکلات مرا می‌بینند به من می‌گویند: «چرا این قدر خودت را گرفتار کرده‌ای؟ وقتی حمایت نمی‌شوی چرا ادامه می‌دهی؟»

من که در صنعت هستیم از زمانی که دلار هفت تومان بوده تا الان که ۸۵۰ تومان شده کار کرده‌ام. هیچ به اصطلاح اتفاقی برای صاحب صنعت نیافتاده به جز دست و پاگیرتر بودن و کم بودن نقدینگی و مشکلاتی در

- مشارکت زنان را در عرصه‌های اقتصادی کشور چگونه می‌بینید؟

- به نظر من زنان ما از سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی و صنعت وحشت دارند. به‌خصوص که اخیراً هیچ نوع حمایتی از بخش صنعت نمی‌شود. به عنوان نمونه، من یک صاحب صنعت قدیمی هستم که معضلات زیادی دارم و هر روز قوانین دست و پاگیر بیش‌تر دست و پای من و همکارانم را می‌بندد.

مثلاً عوارضی که برای آموزش و پرورش دو درصد وضع می‌شود، یا شهرداری، یا محیط‌زیست یا یک درصد کارآموزی، یا مثل سرانه‌ی کارگری. صاحب صنعت باید بیش از ۱۵ یا ۲۰ نوع عوارض به دولت بدهد که این‌ها نه تنها کمکی به گردش صنعت نمی‌کند بلکه گردش بخش صنعت را به اصطلاح کم و کند می‌کند. از طرفی مالیات‌های کلانی که از بخش صنعت گرفته می‌شود. من ۱۸ سال است که در این حرفه هستم. خودم کارخانه تأسیس کرده‌ام. در بخش خصوصی و در صنعت بوده‌ام. این‌ها موجب شده است که هیچ رضایتی از صنعت وجود نداشته باشد. چون کمکی هم نمی‌شود. به تبع سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی برای زنان خیلی کم‌رنگ می‌شود و در واقع علاقه‌ای به این کار ایجاد نمی‌شود.

- شما فکر می‌کنید برای چنین مشکلاتی است که زنان به سرمایه‌گذاری گرایش ندارند یا علت دیگری هم دارد؟ به عبارتی جنسیت هم ملاک است؟

- من بعید می‌دانم زنانی که تخصص و تجربه‌ای دارند جنسیت برایشان مطرح باشد. چون خودم هم یک زن هستم و سال‌هاست که کارم این است و هیچ مشکلی در



لعیا رویایی فوق‌لیسانس مدیریت بهداشت از دانشگاه تهران و فوق‌لیسانس مهندسی برنامه‌ریزی توسعه‌ی صنعتی از دانشگاه آمستردام است.

او ۲۰ سال در وزارت صنایع در سمت کارشناس ارشد و سال‌ها در کارخانه‌های مختلف کار کرده است و مدتی نیز عضو هیأت علمی و مدرس دانشگاه بوده است.

لعیا رویایی هم‌اکنون رئیس هیأت‌مدیره کارخانه‌ی تفلون کومه و مدیرعامل کارخانه تفلون زرین‌کومه و کارشناس رسمی دادگستری است. تلاش او را در عرصه‌ی اقتصاد دیده بودیم و می‌دانستیم که از ۱۷ سالگی کار را شروع کرده است و هم‌اکنون نیز پس از دوره‌ی بازنشستگی همچنان از هفت صبح تا ۱۲ شب کار می‌کند. او مدیر نمونه‌ی سال ۷۷ است.

مناسب دانستیم در صفحه‌ی اقتصاد مجله مسائل و مشکلات زنان را در این عرصه به علت داشتن تجربه فراوان او در صنعت از ایشان جویا شویم.

در اینجا از خوانندگان علاقه‌مند مجله می‌خواهیم ضمن معرفی زنان موفق در بخش اقتصاد پرسش‌های خود را نیز برای ما ارسال کنند.

که پرداختها برای ما ایجاد کرده است. فرض کنید اگر یک چک صاحب صنعت به دارایی پرداخت نشود او را با حکم دادگاه محکوم می‌کنند. در نتیجه اموالش را توقیف و ممنوع‌الخروج می‌شود. این روند موجب می‌شود که زن سرمایه‌دار حتا با داشتن زمین و سرمایه دچار نگرانی شود.

به هر حال هر کسی که می‌خواهد شروع کند یک نقدینگی در دست دارد، حالا به حجم کار و فعالیتی که می‌خواهد شروع کند، بستگی دارد. باید دید در چه حدی می‌خواهد باشد. فرض کنید اگر بخواهد کارخانه بزند خوب می‌داند که الان باید رقم بالایی باشد. اگر بخواهد یک تولیدی کوچک پوشاک بزند یا مثلاً یکسری کارهای کوچک‌تری را در چهارچوب منزلش انجام بدهد این باز حجم کم‌تری می‌برد. فکر نمی‌کنم برای چنین کسی به این صورت زمین و سرمایه مطرح بشود. الان باید از صنعت و از سرمایه‌گذاری حمایت بشود. به عنوان مثال شما کارخانجات قند و شکر را ببینید چه معضلی برایشان درست شده است؟

من از کارخانجات ظروف تفلون می‌گویم. وقتی ما این کار را شروع کردیم پنج واحد بودیم الان بیش‌تر از ۶۰ تا ۷۰ واحد هستیم. فقط موافقت اصولی دادن مطرح نیست باید به نیاز جامعه و میزان آن فکر کرد. موافقت اصولی دادند بنابراین همه رفتند سرمایه‌ها را به صورت سوله و ماشین‌آلات و... درآوردند. این‌ها ثروت ملی مملکت است که بدون استفاده مانده است. روزی نیست که یکی از همکاران به ما پیشنهاد نکند که برای من یکسری ماشین‌آلات بفروش یا یک کاری بکن.

در شرف تعطیلی هستند؟

بله، برای بعضی‌ها خیلی مشکل شده است.

شما فکر می‌کنید اگر زنی بخواهد در زمینه‌های اقتصادی و در همین بخش صنعت شروع به کار کند چه حمایتی دولت از آن می‌کند. آیا واقعا حمایت می‌شود؟ وام می‌دهند؟ اگر زنی بخواهد وارد این عرصه شود چگونه است؟

هیچ حمایتی نمی‌کنند. بلکه یکسری مقررات دست و پاگیر برایش می‌گذارند. من می‌توانم به یک شخص بگویم: «آقا شما دو ماه صبر کنید و چک ما را به بانک نبرید تا وضع بازار رونق بگیرد، چون فروردین و اسفند رکود بوده، ایام تعطیلی و سوگواری بوده، و من موجودی ندارم.» ولی دارایی صبر نمی‌کند. شما را به دادگاه می‌برد و حکم می‌گیرد و چون نتوانسته‌اید مالیات را پرداخت کنید، توقیف اموال هم می‌شود. این چه حمایتی از صنعت است؟ به هر حال باید صاحب صنعت جایگاهی در نزد دولت داشته باشد و در جایی حمایت بشود. بانک به محض این‌که پولشان را ندهید برایتان اجرائیه صادر می‌کند. این‌ها اصلاً موقعیت را در نظر نمی‌گیرند که صاحب صنعت در چه شرایطی هست که کمکش بکنند. همه فکر خودشان هستند یعنی دارایی فکر وصول خودش است، بیمه می‌آید حکم توقیف ماشین‌آلات را می‌گیرد به محض این‌که حق بیمه را ندهی. دارایی می‌آید، آموزش و

پرورش هم همین کار را می‌کند، شهرداری هم همین کار را می‌کند. یعنی هیچ به بخش صنعتی کمکی نمی‌شود. شاید هم می‌توانم بگویم که با یک مغازه‌دار بهتر از یک صاحب صنعت رفتار می‌کنند.

متأسفانه حمایت صنایع برای همه شرایط حمایتی نداشته است. از صنعت اتومبیل خیلی حمایت می‌شود. یا مثلاً بعضی از صنایع غذایی حمایت می‌شود ولی نه از همه.

شما قبلاً کارشناس ارشد صنایع بوده‌اید و طبعاً در زمینه‌ی برنامه‌ریزی شیوه حمایتی را می‌دانید آیا در شرایط کنونی طرح و برنامه‌های برای حمایت از صنایع وجود دارد یا خیر؟

● صاحب صنعت باید بیش از ۱۵ یا ۲۰ نوع عوارض به دولت بدهد که این‌ها نه تنها کمکی به گردش صنعت نمی‌کند بلکه آن را کند نیز می‌کند.

به هیچ وجه. من شنیدم در وزارت صنایع ستادی به نام ستاد بحران درست شده است. ازین رو خودم برای آن واحدی که به اصطلاح در یکی از شهرستان‌ها داریم و دچار مشکل بود دو ماه پیش نامه به صنایع دادم ولی هنوز هیچ پاسخی نگرفتم.

پس ستاد بحران فقط اسمش ستاد بحران است؟

بله اسمش ستاد بحران است. در صورتی که معنای بحران یعنی این‌که رسیدگی سریع انجام شود یعنی به کار سرعت بدهند. من قبل از تعطیلات سال نو در برف و سرما به شهرستان رفته و نامه برای صنایع آوردم، هر روز هم صحبت می‌کنم ولی می‌بینم هنوز کار به جایی نرسیده است.

اگر طرح و برنامه‌ای برای حمایت نیست و ستاد بحران هم کلاً نتواند کار صورت بدهد، توسعه صنعت در کشور ما چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

ببینید، قیمت دلار تغییر کرده است. من مثال مواد اولیه تفلون را می‌زنم. یک تن تفلون قبلاً فرض کنید با دلار اگر ۴۰۰ تومان می‌آمد ما باید ۲ میلیون بلوکه می‌کردیم ولی الان باید ۲۲ میلیون بلوکه کنیم. در نتیجه نقدینگی شرکت کم می‌شود چون سه ماه باید در بورس اوراق بهادار بماند تا این نوبت برسد. ببینید این‌ها همه کاهش نقدینگی است. وقتی آلومینیم ناگهان از ۹۰۰ تومان می‌شود ۱۳۰۰ تومان. نقدینگی کارخانه کاهش پیدا می‌کند. بعد تورم هم قدرت خرید را پایین می‌آورد. در نتیجه این بحران در صنعت وجود دارد و باید به این مسائل توجه شود. در نتیجه جایی برای نوآوری و توسعه نمی‌ماند.

آیا وزارت صنایع در مورد تهیه مواد اولیه حمایتی می‌کند؟

اتفاقاً یکی از گله‌های ما همین است. وزارت ارشاد برای مطبوعات کلفذ فراهم می‌کند ولی به صاحب صنعت این ارفاق نمی‌شود. مثلاً من می‌گویم به جای ۵ میلیون تسهیلات، ۱۰۰ میلیون بدهید که بتوانم شب عید فروش داشته باشم، نمی‌دهند. واقعیت این است که ما مشتری داشتیم ولی نقدینگی نداشتیم مواد بگیریم که جواب مشتری را بدهیم. گردش کاری کارخانه‌ها طوری است که مواد اولیه می‌خواهد، کلی پولش است. به هر حال باید یک دوره تولید بشود، بازار برود و پولش برگردد. چهار ماه یا شش ماه طول می‌کشد. هیچ کس نیست این کمک را بکند. توجه می‌فرمایید؟

واقعا جای تأسف است. من که این‌جا کار می‌کنم و ۵۰ تا، ۶۰ تا، ۷۰ تا کارگر اشتغال دارند اگر بخواهم ۵۰ تن مواد اولیه بگیرم باید چک بانکی بدهم بخواه‌انم و در نوبت بمانم. دو ماه یا سه ماه، تازه معلوم نیست ۵۰ تن به من بدهند. ظرفیت کارخانه‌ی کومه ۱۵۰۰ تن است. مثلاً پنج درصد به ما می‌دهند. ما باید چک بانکی ببریم. این چه حمایتی از صنعت است. اگر قرار است سه ماه پول آن‌جا بخواهد خوب می‌رویم از بازار کمی گران‌تر می‌گیریم. به هر حال آن‌ها هم از ما چک دو ماهه قبول می‌کنند. این همه برای صادرات غیرنفتی گفته می‌شود ولی هیچ‌نوع کمکی صورت نمی‌گیرد.

الان کارخانه‌ی ما صادر کننده است. سال گذشته به چندین کشور صادرات داشتیم. شما ببینید یک ریال به صادر کننده نمی‌دهند. این جنس از مبدأ حرکت می‌کند تا برسد به مقصد سه ماه، چهار ماه طول می‌کشد تا این پول برگردد. یک زمانی لازم دارد. باید یک مقدار پول برای صادرات تزریق کرد. فکر کارخانه‌دار که نیستند. فکر بی‌کاری هم نیستند. بی‌کاری برای مملکت معضل است و خیلی شدید آسیب‌های اجتماعی را بالا می‌برد. از قدیم گفته‌اند در یک کارخانه که بسته می‌شود در دو زندان باز می‌شود. الان در بخش صنعت تفلون ظرف چهار، پنج ماه گذشته شش یا هفت کارخانه بسته شده است. به دلیل این‌که مواد اولیه خیلی گران است و کارخانه نمی‌تواند خودش را تغذیه کند. بازار هم می‌خواهد سودش را ببرد. بهر حال چیزی برای صاحب صنعت نمی‌ماند. عوارض‌هایی که دولت از راه‌های مختلف می‌گیرد، زیاد است و اصلاً فایده ندارد.

ما آمدیم از شما در رابطه با مشارکت هرچه بیش‌تر زنان در عرصه‌ی صنعت سؤال کنیم، با تحلیل شما، چه رهنمودی می‌شود به زنان ارائه کرد؟ زنان ناامید می‌شوند.

من ۲۰ سال در وزارت صنایع کار کردم و حدود ۱۸ سال هم در این‌جا کار می‌کنم. در مجموع ۳۸ سالی که کار می‌کنم، اصلاً ناامید نشده‌ام و همچنان کار خواهم کرد.

می‌بینید که هنوز هم از صبح می‌آیم تا شب. ولی فکر می‌کنم اگر بخواهند زنانی که نصف نیروی اجتماع ما هستند از خانه به قصد کار اقتصادی بیرون بیایند،

● زنان باید به جلو حرکت کنند، وارد بازار کار شوند، تلاش کنند و از دولت هم کمک بخواهند. من مطمئن هستم که موفق می‌شوند.

نیاز به مسائل تشویقی دارند. منی که صاحب تجربه هستم الان علاقه‌ام اینست که در خانه بنشینم. چرا؟ برای این‌که می‌بینم دارم مستأصل می‌شوم. زمانی که ما آمدیم و شروع کردیم می‌شد کارهایی کرد. به‌رحال زنی که می‌خواهد بیاید و شروع کند باید این‌ها را بداند. - با توجه به همهی مشکلاتی که در این عرصه داشتید تیتروار موانع حضور زنان در بخش اقتصاد را بگویید.

- من فکر می‌کنم زنان ما مقداری حس بدبینی نسبت به این نوع اشتغال دارند. از نظر قوانین و دولت هیچ محدودیتی برای حضور زنان در جامعه وجود ندارد. گماین‌که زنان ما در نمایندگی مجلس هستند تا معاونت ریاست جمهوری. برای زنان هیچ محدودیتی نیست و خیلی خوب می‌شود از تجربه و تخصص آنان استفاده کرد. اما زن خانه‌داری که شوهرش کارخانه‌دار است و از صبح می‌رود تا ده شب و خسته می‌آید تازه باید جواب چک و سفته را بدهد و مرتب تلفن بزند. اسمش مهندسی و صاحب صنعت است و این‌همه گرفتار. زن با خود می‌گوید چرا من بروم و خودم را گرفتار کنم. الان برای صاحب صنعت آرامش وجود ندارد. و این روی خانواده تأثیر می‌گذارد. من وقتی به دوستانم می‌گویم که یک کاری را شروع کنید، آن‌ها می‌گویند ما در عمل می‌بینیم که چه مشکلاتی وجود دارد، چرا بیاییم؟ توجه می‌کنید دولت باید یک‌سری مسائل تشویقی بگذارد.

- شما می‌توانید به ما آمار دهید که چند زن در این بخش - صنایع - کارخانه‌دار هستند؟

- خیلی کم. در صنعت که خیلی کم هستند. شاید به تعداد انگشتان دست هم کم‌تر باشند. من هم در انجمن مدیران صنایع و هم در اتاقی بازرگانی هستم. چرا خیلی از زنان کارت دارند که به اسم خودشان است ولی دیگران از آن استفاده می‌کنند. ولی در حرفه‌ی صنعت - به‌خصوص صنعت فلزات که ما هستیم - به‌ندرت زنی هستند که کار کنند. شاید سه یا چهار زن. دلیل کم بودن تعداد زنان ما هم این است که طبیعت کار طوری است که خیلی توانایی می‌خواهد و این‌که آدم باید تنرس باشد و به قول معروف دل شیر داشته باشد. خطر کند و از استراحتش بزند. شما ببینید به‌رحال یک زن در مقابل خانواده‌اش مسئول است. الان با یکی از دوستان هم‌کلامم صحبت می‌کردم. او هم کارشناس قسم‌خورده‌ی دادگستری است و می‌گفت که ما - شش صبح بیدار می‌شویم. پلو را می‌گذاریم و خورش را و می‌رویم عصر هم می‌آییم تازه

طرف‌ها را می‌شویم. بعد هم فکر شام هستیم. ولی الان جوان‌ها این کار را نمی‌کنند. آن‌ها بیرون غذا می‌خورند و کارهای ما را نمی‌کنند. بسیاری از کارها و مسائلمان هم با ما هست.....

- درواقع الان بسیاری از زنان، کار زنان سنتی را نمی‌کنند که هم خانه‌داری و مادری می‌کردند و هم کار بیرون از خانه را انجام می‌دادند.

- بله این‌طور است. زنان مشکلات بخش صنعت را می‌بینند. روزنامه‌ها و مجلات را می‌خوانند. گرفتاری‌های شوهر صاحب صنعتشان را می‌بینند بنابراین ریسک نمی‌کنند. زنان بیشتر جذب بخش خدمات شده‌اند. مثل وکالت، کارشناسی، مهدکودک، آزمایشگاه و کارهایی شبیه به این‌ها. الان علاقه‌ی زنان به کار اجتماعی کم شده است.

- شما به خاطر جو موجود این را می‌گویید؟

- بله، جو موجود، و فکر می‌کنم گرفتار می‌شوند. واقعاً مشکلات و معضلات زیاد است.

- ما برای توسعه‌ی کشورمان نیاز به تلاش زیادی داریم و معتقدیم زنان نیز باید بخشی از این مهم را بر عهده بگیرند هرچند که مشکل باشد. حال اگر بخواهیم زنان را وارد صنعت کنیم پیشنهاد شما برای موفقیت در این بخش چیست؟

- ابتدا ما از طریق دانشگاه و دبیرستان باید آموزش‌های لازم را به زنان بدهیم تا آن‌ها فقط به فکر این نباشند که ازدواج کنند و درواقع برای اداره شدن به مرد تحمیل گردند. زن باید بداند که برایش سرمایه‌گذاری شده است. در دانشگاه، در دبیرستان، دولت برای او خرج می‌کند تا یک نیروی مؤثر در جامعه بشود. نیمی از افراد در دبیرستان و در دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلی زنان هستند و واقعاً باید ضمن آموزش‌های لازم آن‌ها را علاقه‌مند به کار کنیم. مثلاً بگوییم شش، هفت ماه و یا یک سال حتماً بروند در یک کارخانه کار کنند. وقتی که به کارخانه بروند مقداری به حرکت می‌افتند و این حرکت و جوهر کار از جوانی به تنشان می‌رود. من وقتی که در وزارت صنایع کار می‌کردم، تحصیل هم می‌کردم بعد کارآموزی هم می‌رفتم. در دوره‌ی فوق‌لیسانس، چه در دانشگاه تهران و چه در خارج از کشور در کارخانه کار می‌کردم. خود این محیط کارخانه برای انسان‌ها سازنده است تا بنشیند مثلاً در مدرسه پشت میز و... این خیلی اهمیت دارد. دولت هم باید یک تشکیلی ایجاد بکند که درواقع به زنان این بهاء را بدهد و تشویق کند. هرکسی در حرفه‌ی خودش بتواند کارآموزی کند. مثلاً فرض کنید که یک زنی متالورژی خوانده، می‌تواند بیاید در این صنعت یک کاری را شروع کند. زنی تغذیه خوانده می‌تواند بیاید در کار صنعت غذایی. اگر واقعا زنان را تشویق کنند، اصلاً در کار جنسیت مطرح نیست.

الان من هفته‌ای یک روز می‌روم قزوین؛ هفته‌ای یک بار می‌روم شیراز و برمی‌گردم و می‌آیم. هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد. کارم انجام می‌شود و پیش می‌رود. کار در وجود من است و من به کار کردن عادت کرده‌ام. الان هم اگر دولت بیاید و یک سری آموزش‌های لازم را



● از قدیم گفته‌اند در یک کارخانه که بسته می‌شود در دو زندان باز می‌شود.

بدهد و یک سری تسهیلات فراهم کند مثلاً ابتدا بخشی از بودجه را به یک سرمایه‌گذاری اختصاص بدهد و بگوید مثلاً به زمانی که این تجربه را دارند و این تخصص را دارند سرمایه‌ای می‌دهم و کمکی می‌کنم، خودشان هم سرمایه‌ای بگذارند و به صورت تعاونی شروع به کار کنند، این حمایت در خانواده‌ها خیلی تأثیر می‌گذارد، صاحب‌های که من در زن‌روز چند سال پیش داشتم موجب تماس چند زن متخصص شد که الان سه چهار مورد آن زنان با مشورت من کارخانه زده‌اند. آن‌ها می‌خواستند بدانند که چه‌گونه می‌توانند به کار تولید بپردازند و موفق هم شده‌اند. باید زمینه‌ی ذهنی زنان را به سمت کار تولیدی توجه داد.

نکته‌ای را بگویم که در این‌جا ضرورت دارد. برای کار تولیدی، دو نوع انگیزه برای افراد وجود دارد. یکی اعتقادی است که انسان دلش می‌خواهد خدمتی به جامعه بکند. من بازنشسته مجدداً ۱۸ سال است که کار می‌کنم. چرا در این سن هنوز کار می‌کنم؟ چون با بودجه‌ی این مملکت درس خوانده‌ام، تخصص و تجربه دارم و حیف است که در خانه بنشینم. هم خودم کار می‌کنم و هم برای جوانان کشورم اشتغال ایجاد می‌کنم. - عبادت به جز خدمت خلق نیست - ضمناً علاقه هم به کارم دارم و نمی‌توانم کار نکنم.

- شما از مشکلات صنایع گفتید و این که فرقی بین زنان و مردان صاحب صنعت نیست. بسیار خوب، ولی زنان ما به دلیل دور بودن از

مسائل اقتصادی و نهشتن سرمایه برای حضور در صحنه اقتصادی از ابتدایی ترین ابزار یعنی سرمایه محروم هستند. آیا شما برای این مشکل مضاعف زنان طرح و برنامه‌ای در طول دوران کارشناسی تان ارائه کرده‌اید؟

- من گرفتار کلی صنعت هستم و در حقیقت وقت اضافی برای این کار ندارم ولی تاکنون از من نخواستند که طرح و برنامه‌ای بهم من تمام تلاشم این بوده است که کارخانه را سرافراز کنم از موشک و بسیار و قطعنامه و همه این‌ها گذشتام. مرا به عنوان مدیر نمونه انتخاب کرده‌اند ولی هیچ وقت از من نخواستند که طرحی ارائه بدهم ولی اگر بخواهند من حاضرم. پیشنهاد می‌کنم به عنوان نمونه زنان جرات کنند و سرمایه‌گذاری کنند در همین بخش ساختمان‌سازی. موفق می‌شوند گرچه طبیعت کار مردانه است. طبیعت صنعت هم از اول مردانه بوده است ولی من موفق شده‌ام. من قبل از آن که کارخانه دار بشوم واردات می‌کردم، واردات لاستیک، موتورسیکلت، لاستیک دوچرخه، دستکش خانگی و... مرکز تهیه و توزیع مواد شیمیایی می‌آورد و به من می‌داد یا ده درصد بعداً دیدم توانایی تولید دارم. کارخانه زخم این چند سال اخیر یک مقداری تورم و بحران صنایع را با مشکل مواجه کرده است ولی ما ایستاده‌ایم.

ما واحدی هستیم که از طرف اداره بهداشتی کنترل می‌شویم. در این جا ظرف‌های تفلون تهیه می‌شود. مواد ظروف را از خارج با اجازه وزارت بهداشتی و زیر کنترل آن‌ها می‌آوریم. تمام مراحل را در کارخانه چک می‌کنند اگر بگذارد آن‌ها عرضه می‌شود. نمی‌گذارند بروند بیرون و دوباره به ما می‌کنند. ما صادرات داریم و باید استاندارد رعایت شود.

- رقابت هم پیش‌تر شده است؟

- بله، هر کشوری مثل فرانسه، یا مثل هندوستان شاید دو تا کارخانه‌ی ساخت ظروف تفلون دارند ولی ما ۲۰ کارخانه‌ی اسم و رسم‌دار داریم یعنی پروانه دارند. تعدادی هم زیرزمینی کار می‌کنند که با ما رقابت می‌کنند. البته تفلون خوب نمی‌زنند. شناخت تفلون خوب مثل انتخاب روغن مرغوب است. اما برگردیم به مسئله زنان. بی‌کاری برای یک زن خیلی بد است. مگر یک غذا پختن چه قدر وقت می‌گیرد؟ یا کارهای دیگر خانه. زنان نباید وقتشان تلف شود. زنان می‌توانند برنامه‌ی بگذارند که در واقع از این همه انرژی‌شان استفاده شود. تلف شدن انرژی آن‌ها ثمره‌ی خوبی ندارد. صحبت با تلفن و... زنان از این سخنان من ناراحت نشوند. وقتی یک نفر قرار باشد کار کند و چهار نفر (حداقل خانواده‌های ما چهار نفرند)، مصرف کننده باشند، اثر روانی روی بقیه‌ی مسائل می‌گذارد یعنی به خودی خود درگیری‌هایی در خانواده ایجاد می‌شود بچه تقاضایی دارد که پدر و مادر نمی‌توانند برآورده کنند خانم بهتر است که اشتغال داشته باشد، حالا اشتغالش می‌تواند در صنعت باشد می‌تواند در خدمات باشد، بستگی به ذوقی که زن دارد می‌تواند

آیا چک‌ها را به دادگاه می‌برند حکم می‌گیرند و چون نتوانسته‌اید مالیات را پرداخت کنید، اموالتان توقیف هم می‌شود این چه جور حمایتی است؟

خیاطی کند و...
من فکر می‌کنم ستادی می‌خواهد که مجری این کار باشد و پیگیری کند. یعنی دلسوزانه جلو برود و این خیلی اهمیت دارد. الان می‌توانیم از نیروی زنان استفاده‌ی خوبی کنیم. بچه نیز وقتی می‌بیند مادرش مهرگ گذشتگی تنها نیست و تلاش می‌کند. در روحیه‌ی او هم تاثیر دارد. او با خودش فکر می‌کند باید از این موقعیت استفاده‌ی مطلوب را بکنم نه این که فقط خرج کنم.

- اگر بخواهیم به آینده بیندیشیم زمان تمام شدن نفت - صادرات تک محصولی - در حال سوختن شدن است مادران باید با احسان مسئولیت بیش‌تری به آینده‌ی فرزندان‌شان نگاه کنند حفظ سرزمین و نسل آینده در گرو همکاری همگانی و برنامه‌ریزی است.

- همه دارند از صادرات غیرنفتی می‌گویند اگر ما بخواهیم صادرات غیرنفتی را گسترش بدهیم باید در همه‌ی زمینه‌ها کار کنیم الان صنایع دستی ما در بازارهای دنیا خریداران فراوانی دارد. زنان ما می‌توانند در خانه این کار را انجام دهند. فقط سازمانی می‌خواهد که این کار را از گرانیزه کند یعنی برنامه‌ریزی کند. من چندی پیش در یک نمایشگاه بودم. زنی از کردستان عروسک‌هایی درست کرده بود که گیسوی پول بود و دانه‌های یک دلار می‌فروخت. او در خانه این عروسک‌ها را تولید می‌کرد.

- صحبت‌های شما ما را به سوی تشکیل یک ستاد به همین منظور هدایت می‌کند. چرا کمی برای چنین برنامه‌هایی قدم بر نمی‌دارد و چرا امور زنان خوب پیش نمی‌رود؟

- ببینید، می‌شود چند نفر را بفرستند، پرسشنامه پر کنند که زنان به چه نوع کاری علاقه دارید، چه مقداری می‌توانید سرمایه‌گذاری کنید، یا از خویشان شما چه کسی سرمایه‌گذاری می‌تواند بکند. فکر می‌کنم شاید ۵۰ درصد زنان ما حداقل یک سرمایه‌ای حدود دو یا سه میلیون تومان دارند. همین طلاهای موجودشان را بررسی کنید. این یک سرمایه‌ی راكد است. یعنی در واقع پول از گردش خارج شده است. اگر جایی باشد که زنان بتوانند بهر حال اگر سه میلیونی بگذارند در مقابل استفاده‌ی می‌برند و خودشان هم مشغول می‌شوند، استفاده می‌کنند و این خیلی مهم است. این برنامه‌ها هدایت می‌خواهد. الان ببینید نسل جوان ما بی‌کار است. این حرکت موجب اشتغال می‌شود. مادر بچهاش را سر کار می‌برد، برادرش را می‌برد، خواهرش را می‌برد. معضل بی‌کاری هم کلی حل می‌شود. توجه

کردید؟ ممکن است برخی بگویند این‌ها هم حرف می‌زنند. ولی من با دست خالی آمدم و شروع کردم بعد هم خانواده‌ام آمد و شریک هم گرفتم و...

- آیا شما حاضرید به زنان در این زمینه مشاوره بدهید؟

- بله وظیفه‌ام است. ما وظیفه داریم به مملکتان خدمت کنیم. الان مشکل صادرات داریم. اگر زنانی باشند که به این کار علاقه داشته باشند چه اشکالی دارد. ما آن‌ها را راهنمایی می‌کنیم.

همه چیز را نباید روی دوش دولت بیندازیم و بگوییم دولت. گرچه من الان خودم دارم می‌گویم که دولت به من کمک نمی‌کند ولی دولت هم می‌گوید شما دیگر ۱۵ سال است که کارخانه‌دار هستی و باید بتوانی خودت را بچرخانی.

- اگر مطلبی را قابل ذکر می‌دانید، بفرمایید.

- دولت باید یک سری باز سنگین عوارض را از دوش بخش صنعت بردارد. جریمه‌ها را بردارد و با نپرداختن یک چک مالیاتی برای کارخانه‌دار زندان و توقیف اموال و ممنوع‌الخروج بودن ایجاد نکند.

نباید با صاحب صنعت قدیمی این‌طور عمل کرد. مثلاً تلفن همراه صاحب صنعت را به خاطر بدهی مالیاتی می‌گیرند. این آبرو برای کارخانه‌دار نمی‌گذارد. باید یکسری تسهیلات به صاحبان صنعت بدهند بخشش نکنند. تسهیلات طولانی مدت بدهند تا مقداری این صنعت راه بیفتد. این صنعت باید ادامه داشته باشد که بی‌کلری نباشد و اشتغال باشد و بتوانیم صادرات کنیم و خدمتی کرده باشیم.

در مورد زنان گرچه نیروی‌مان ۵۰ به ۵۰ است ولی تعداد زنان در بخش‌های مدیریت و صنعت کم است. وزارت صنایع چندتا مدیر زن دارد شاید ۲۰ تا، ۳۰ تا. یک مدیرکل زن دارد. یا در وزارت کشاورزی یا وزارت بهداشت؟ زنان پزشک زیاد است. زنان مهندس، زنان باصلاحیت و باتجربه داریم ولی از آن‌ها کم استفاده می‌شود. باید با آموزش‌هایی یک بخشی را ایجاد کنند که اختصاص به سرمایه‌گذاری زنان در زمینه صنعت یا در زمینه صادرات داشته باشند. مثلاً زنانی که زنان می‌دانند خوب می‌توانند کار صادرات کنند. کار صادرات خیلی خوب است. من اگر درگیر این کار صنعت نبودم کلاً می‌رفتم برای صادرات. باور کنید اگر کالای خوب ارائه کنید همه‌جا از شما خریداری می‌کنند. الان کارخانه ما سفارش از سوئد دارد ولی به دلیل کمبود نقدینگی و طولانی شدن مدت بازپرداخت، بازار آن‌جا را هم از دست می‌دهد. اگر می‌خواهند صادرات شود، اگر می‌خواهند زنان وارد بازار کار شوند، باید به آن‌ها تسهیلات بدهند. زنان باید به جلو حرکت کنند. کار کنند، تلاش کنند، توکل به خدا داشته باشند و از دولت هم بخواهند. زنانی که خیلی به هم نزدیک هستند، فامیل، دوست و همکلاسی هستند بیایند یک گروه کاری شوند و از وزارت تعاون هم کمک بگیرند. به‌خصوص در صنایع دستی و صنایع غذایی و کارهای دیگر... من مطمئن هستم که موفق می‌شوند...
- با تشکر از شما.